



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف

ریاست مجمع علمی

آمریت افتاء

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Religious Affairs and HADJ
General President of Academic Team



تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

شماره

متن استفتاء سید روح الله سیرت کارمند ریاست عمره

بمقام محترم ریاست مجمع علمی

محترماً! اینکه شهرتم در فوق ذکر گردید میخوام درمورد جواز وعدم جوازگروی خانه در بین مردم مروج است اطمینان حاصل نمایم، امید است که به مرجع مربوطه امرهدایت فرموده ممنون سازند. بالاحترام: سید روح الله

حکم مقام محترم ریاست: پیرامون موضوع فوق فتوی شرعی تحریرگردد.

الجواب باسم ملهم الصواب

حامدا لله و مصلیا علی رسول الله

مستفتی محترم! آنچه را شما در متن استفتاء خود ذکر نموده است در مورد آن چنین باید گفت: که دین مقدس اسلام به عنوان آخرین دین سماوی دستور کامل حیات بشر را با خود احتوا می کند، و در هر بخش زندگی برای انسانها رهنمود کامل و دستور العمل واضح دارد چه در بخش معاملات باشد و یا عبادات به همه این بخش ها در تعلیمات و الای دین مقدس اسلامی با تفصیل پرداخته شده است.

ولی در خصوص آنچه را مستفتی محترم مطرح نمودند که آیا گروی شرعا جواز دارد و یاخیر باید گفت که اگر هدف مستفتی محترم جواز وعدم جواز نفس این عقد باشد باز در جواز عقد گروی که به آن در اصطلاح فقهاء عقد رهن گفته میشود وبخاطر توثیق وتضمین حقوق طرفین بین دائن و مدیون صورت میگیرد شکی وجود ندارد چون مشروعیت این عقد از نص قرآنی، احادیث نبوی واجماع امت ثابت است چنانچه علامه ابن عابدین رحمة الله علیه از فقهاء نامدار حنفی در این خصوص چنین فرموده اند: { کتاب الرهن: هو مشروع لقوله تعالى { فرهان مقبوضة } البقرة ۲۸۳ وبما روی أنه علیه الصلاة والسلام اشتری من یهودی طعاما ورهنه به درعه و انعقد علیه الإجماع، ومن محاسنة النظر لجانب الدائن بأمن حقه عن التوى ولجانب المديون بتقليل خصام الدائن له وبقدرته على الوفاء منه إذا عجز } ردالمحتار، ج/۵/ص/۴۲۲. طبع: مطبعة سعادت.

ولی اگر هدف مستفتی محترم این باشد که از خانه و زمین که طورگروی گرفته میشود استفاده نمودن جواز دارد و یاخیر در این خصوص باید گفت که آنچه در عرف امروزی به عقد گروی



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف
ریاست مجمع علمی
آمریت افتاء

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Religious Affairs and HADJ
General President of Academic Team



تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

شماره

متداول و متعارف است درحقیقت همان عقد رهن است که از آن در عبارات فقهی به عقد وثیقه و ضمان نیز تعبیر شده است و در خصوص عقد رهن و مطالب مربوط به آن مباحث مطول و مشرح در کتب فقه مذاهب اسلامی با تفاوت دیدگاهها ذکر شده است و در مورد آنچه مطرح بحث در این استفتاء است که فقهاء از آن به **انتفاع المرتهن بالمرهون** تعبیر نموده اند نیز فقهاء کرام مخصوصا فقهاء احناف اختلاف نظر دارند البته آنچه مورد اتفاق همه فقهاء حنفی در این بحث می باشد این است که بدون اذن و اجازه راهن { کسیکه مال خود را گروه گذاشته است } مرتهن { گروه گیرنده } حق انتفاع و استفاده از آن را ندارد، ولی اگر راهن اجازه انتفاع و استفاده را برای مرتهن داد باز در این صورت آیا شرعا استفاده نمودن مرتهن از مال مرهونه مجاز است و یا خیر در این خصوص عبارات و اقوال متعدد از فقهاء احناف علیهم الرحمة نقل شده است، یکی از جمله قولی است که علامه ابن عابدین رحمه الله تعالی علیه در کتاب خود از عبدالله بن محمد بن اسلم سمرقندی که از علماء بزرگ سمرقند بودند، ذکر نموده است : که ایشان فرموده اند: استفاده نمودن از مال مرهونه و گروهی را به هیچ وجه جائز نمی باشد چه به اذن راهن باشد و یا هم بغیر اذن وی چون در صورت اذن و اجازه هم این اذن بخاطر حصول و بدست آوردن سود و ربا داده شده است که شرعا جائز نمی باشد چنانچه می فرمایند: { **وقيل لا يحل للمرتهن (قال في المنح وعن عبد الله بن محمد بن أسلم السمرقندي وكان من كبار علماء سمرقند أنه لا يحل له أن ينتفع بشيء منه بوجه من الوجوه وإن أذن له الراهن لأنه أذن له في الربا لأنه يستوفي دينه كاملا فتبقى له المنفعة فضلا فيكون ربا وهذا أمر عظيم. حاشية ابن عابدین ج / ٤ ص / ٢٤٢ ط: مطبعة سعادت.** }

ولی علامه عبدالحی الکهنوی رحمه الله تعالی بعد از ذکر نمودن اقوال پنجگانه منسوب به فقهاء حنفی در خصوص جواز و عدم جواز استفاده از مال مرهونه در صورت اذن راهن در مورد چنین نتیجه گیری نموده اند: { **و اولى الاقوال المذكورة وأصحها و أوفقها بالروايات الحديثية هو القول الرابع، ان ما كان مشروطا بكرة ومالم يكن مشروطا لا يكره، اما كراهة المشروط فلحديث كون القرض الذى جر منفعة ربا وأما عدم كراهة غير المشروط فلحديث الظهر يركب ولبن دَرِيشرب { الفلك المشحون، ص / ١٤ طبع: مطبعة المعاهد بجوار الازهر بمصر.** }

یعنی بهترین و موافق ترین قول با احادیث وارد شده در این خصوص این است که اگر اذن و اجازه گروه دهنده برای گروه گیرنده بخاطر استفاده نمودن از مال مرهونه در عقد رهن حقیقه و یا حکما مشروط بوده باشد باز استفاده نمودن آن از مال مرهونه جائز نمی باشد و اگر این اذن و اجازه مشروط نبوده باشد باز استفاده نمودن برای وی جائز می باشد.

و برخی دیگری از فقهاء کرام هم به این باور اند که اگر استفاده نمودن از مال مرهونه در عقد رهن از سویی مرتهن شرط گذاشته شده باشد باز از باب کل قرض جر نفعا فهو ربا بوده استفاده



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف
ریاست مجمع علمی
آمریت افتاء

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Religious Affairs and HADJ
General President of Academic Team



تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

شماره

نمودن از آن جائز نمی باشد، ولی اگر استفاده از مال مرهونه در عقد رهن حقیقه و حکماً مشروط نبوده باشد و بدون شرط به اذن راهن استفاده صورت گیرد جائز بوده کدام مشکل شرعی ندارد چنانچه در این مورد در کتاب مشهور فقه احناف چنین آمده است { تُمْ رَأَيْتُ فِي جَوَاهِرِ الْفَتَاوَى: إِذَا كَانَ مَشْرُوطًا صَارَ قَرْضًا فِيهِ مَنْفَعَةٌ وَهُوَ رَبًّا وَإِلَّا فَلَا بَأْسَ. ردالمحتار ج/۴ ص/۲۴۲، ط:ق. باز مشروط بودن حق انتفاع و استفاده از مال مرهونه حقیقه باشد یعنی در نفس عقد شرط ذکر شده باشد یا حکماً که در نفس عقد ذکر نشده باشد ولی نیت و هدف از عقد رهن همین باشد مثل در زمان فعلی که بدون نیت استفاده نمودن کسی تن به این نوع معامله نمی دهد، در هر دو صورت حکم واحد دارد و استفاده مشروط پنداشته شده حرام می باشد چنانچه علامه ابن عابدین شامی رحمه الله تعالی علیه در این خصوص چنین می فرمایند { قُلْتُ وَالْغَالِبُ مِنْ أَحْوَالِ النَّاسِ أَنَّهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُونَ عِنْدَ الدَّفْعِ الْإِنْتِفَاعَ، وَلَوْلَاهُ لَمَا أُعْطِيَ الدَّرَاهِمَ وَهَذَا بِمَنْزِلَةِ الشَّرْطِ، لِأَنَّ الْمَعْرُوفَ كَالْمَشْرُوطِ وَهُوَ مِمَّا يُعَيَّنُ الْمَنْعَ، وَاللَّهُ تَعَالَى أَعْلَمُ. ردالمحتار، ج/۵ ص/۴۲۷، ط:ق.}

و همچنان در اکثر فتاوی های معاصر نیز استفاده و نفع گرفتن از مال گروی و مرهونه نا جائز قرار داده شده است که از جمله در فتاوی فریدیه یکی از فتاوی های معتبر معاصر در پاسخ به استفتاء که: « آیا از مال گروی نفع گرفتن برای مرتهن جائز است و یا خیر؟ » چنین پاسخ تفصیلی ارائه نموده اند: الجواب: اعلم أن الرهن والارتهان جائزتان لقوله تعالى: « فَرِهْنِ مَقْبُوضَةً » ولأن النبي صلى الله عليه وسلم رهن درعه عند يهودي، رواه البخاري « ولا خلاف في جوازهما، نعم اختلفوا في حكم الانتفاع بالمرهونة، قال أحمد بجواز انتفاع الركوب واللبن، وقال الحنفية بعدم الجواز مطلقاً إذا كان الانتفاع مشروطاً او معروفاً لأن كل قرض جر نفعاً فهو رباً وهو لفظ الحديث رواه الحارث في مسنده، ويؤيده مارواه ابن ماجه مرفوعاً: إذا اقترض احدكم قرضاً فأهدي اليه او حملة علي الدابة فلا يركبها ولا يقبلها، وكذا ما رواه البخاري في تاريخه مرفوعاً: إذا اقترض الرجل الرجل فلا يأخذ هديته، وكذا ما رواه البخاري عن أبي برده رضي الله عنه قال قدمت المدينة فلقيت عبدالله بن سلام فقال انك بارض فيها الربا فاذ كان لك على رجل حق فأهدي اليك حمل تبين أو حمل شعير او حبل قت فلا تأخذه فانه ربا، وفي الهنديه ۳: ۲۶۴: قال محمد في كتاب الصرف أن أباحنيفة كان يكره كل قرض جر منفعة، قال الكرخي هذا إذا كانت المنفعة مشروطة في العقد، وفي ردالمحتار ۵: ۴۲۷: قال {طحطاوى} قلت والغالب من احوال الناس انهم يريدون عند الدفع الانتفاع و لولاه لما اعطاه الدراهم و هذا بمنزلة الشرط لأن المعروف كالمشروط، فان قلت ان الان من معروف فليكن الانتفاع جائزاً؟ قلت: هذا مبيح و كون انتفاع المرتهن معروفاً محرم و ما اجتمع الحلال و الحرام الا غلب الحرام علي الحلال، فافهم، و ما تمسك به الامام احمد منسوخ، لان الراوى لم يعمل به او محمول على اذن الراهن اى اذا لم يكن مشروطاً ولا معروفاً او على المروءة وفي المقام تفصيل مزيد، وفيما ذكرناه كفاية بفضلته تعالى. وهو المصوب. فتاوى فریدیه، ج/ ۸ ص/ ۱۸۴ طبع: زرובی صوابی.



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف
ریاست مجمع علمی
آمریت افتاء

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Religious Affairs and HADJ
General President of Academic Team



تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

شماره

وهمچنان در پاسخ به پرسش دیگر در صفحه {۲۰۴} همین جلد فتاوی فریدیہ حضرت مفتی صاحب رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ چنین فرمودہ اند: «بلا اجازت دونوں کے لیے نفع لینا جائز نہیں۔ اور اجازت کی بعد دونوں کے لیے جائز ہے۔ بشرطیکہ یہ انتفاع مشروط نہ ہو اور اگر معروف ہو {کما فی زماننا} تو پھر بھی ناجائز ہے، فی الدر المختار: لا انتفاع به مطلقاً لا باستخدام ولا سکنی ولا لبس ولا اجارۃ ولا اعارة سواء کان من مرتهن او راہن الا باذن کل للآخر، وقيل انهم انما يريدون عند الدفع الانتفاع و لولاه لما اعطاه الدراهم وهذا بمنزلة الشرط لأن المعروف كالمشروط، و هو مما يعین المنع. وهو الموفق.

وهمچنان در بعضی دیگر از فتاویٰ های معاصر نیز به حرمت انتفاع از مال مرهونه در صورت مشروط و معروف بودن فتویٰ داده شده است کہ ذیلا حوالہ آن ها ذکر میگردد:

- 1- امداد الفتاوی، ج/۳ ص/۴۵۴، طبع: مکتبہ دارالعلوم کراچی.
- 2- احسن الفتاوی، ج/۸ ص/۴۹۸، طبع: ایچ ایم سعید کمپنی.
- 3- فتاویٰ محمودیہ، ج/۲۰ ص/۱۲۵، طبع: دارالافتاء جامعہ فاروقیہ.
- 4- فتاویٰ عثمانی ج/۳ ص/۴۲۲، طبع: مکتبہ معارف القرآن کراچی.
- 5- کتاب الفتاوی، ج/۵ ص/۳۸۵، طبع: زمزم پبلشرز.

بناء بادر نظر داشت عبارات فقهی ذکر شده و آنچه در عصر کنونی و زمان ما در معامله گروی مروج است کہ اصلاً این عقد به هدف انتفاع و استفاده از مال مرهونه صورت میگیرد در غیر آن هیچ کس آمادہ نیست تا چنین معاملہ را انجام دہد پس معلوم است کہ استفاده از مال مرهونه در عقد گروی مشروط می باشد و این نوع استفاده و انتفاع مشروط در عقد رهن و گروی را فقہاء کرام ناجائز قرار داده اند چون انتفاع را کہ گرو گیرندہ میکند بلا عوض بودہ و در حکم ربا داخل است، و اگر احياناً در مناطق کہ بحث انتفاع معروف بین الناس نباشد و در عقد ہم این شرط ذکر نگردد باز در صورت اذن و اجازہ راہن نفع گرفتن از مال مرهونه برای مرتهن در این مناطق مجاز میباشد، پس باید از ہر نوع استفاده و انتفاع کہ در آن ربا و یا شبیہ ربا باشد خود داری صورت گیرد و در صورت نیاز بہ راہای بدیل مشروع آن مثل پرداخت کرایہ پیشکی بہ قیمت مناسب اقدام نمایند تا نفع کہ ہر دو طرف بدست می آرند در مقابل عوض باشد، و از ربا و شبیہ ربا نیز خود داری شود.

واللہ اعلم و علمہ اتم

راقم الحروف "محمد عارف" مصلح



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف

ریاست مجمع علمی

آمریت افتاء

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Religious Affairs and HADJ
General President of Academic Team



تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

شماره

متن استفتاء ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت هرات

بمقام محترم وزارت ارشاد، حج و اوقاف

قابل توجه ریاست محترم مجمع علمی

السلام علیکم ورحمت الله و برکاته

محترما!

وبعد میخوام بخاطر حل یک مشکل پیش آمده دیدگاه علماء محترم آن وزرات را داشته باشیم و آن اینکه به منظور اشتراک در پروسه داوطلبی از طریق مرجع مربوطه مبلغ سه هزار {۳۰۰۰} افغانی به عنوان حق الاشتراک از مشترکین گرفته میشود و بعدا در خواست دهنده ها شامل پروسه میگردند و مقدار پول متذکره به مشترکین دوباره داده نمی شود.

حالا درمورد همین مبلغ {۳۰۰۰} هزار افغانی که دوباره بازگشت نمیکند و به صاحبش داده نمیشود طالب معلومات شرعی میباشم.

امیدوارم در روشنی متون شرعی در مورد معلومات داده مایان را مطمئن سازند.

حکم مقام محترم ریاست! آمریت افتاء درمورد شرعا ابراز نظرگردد.

الجواب باسم ملهم الصواب

حامدا لله تعالى ومصليا على رسول الله

آنچه درمتن استفتاء ریاست محترم ارشاد، حج و اوقاف ولایت هرات ذکرشد درخصوص آن چنین باید گفت:

که دین مقدس اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی دستورکامل حیات بشر را باخود احتوا میکند و درهربخش زندگانی برای انسانها رهنمودکامل ودستورالعمل واضح دارد چه دربخش معاملات، و عبادات باشد و یا هم دربخش صحت واقتصاد به همه این بخشها درتعلیمات اسلامی باتفصیل پرداخته شده است، بویژه به بحث اجتناب از حرام وامور مشتبّه وعدم دستبرد به حقوق دیگران توجه بیشترمبذول داشته است.

و حالا درخصوص حکم مسئله استفتاء شده فوق باید بگویم که مبلغی را که حسب عرف حاکم از مشترکین پروسه داوطلبی گرفته میشود به آن دراصطلاح فقهاء معاصر رسم الدخول گفته میشود، و این مسئله یکی از مسائل مستحدثه وجدید است که در نصوص شرعی و عبارات فقهاء متقدمین به صراحت پرداخته نشده است لذا فقهاء معاصر بادر نظر داشت عرف حاکم در خصوص این مسئله



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف
ریاست مجمع علمی
آمریت افتاء

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Religious Affairs and HADJ
General President of Academic Team



تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

شماره

وگريز ازاكل وتصرف ناحق درمال ديگران محتاطانه در اين خصوص چنين گفته اند: اگر اين مبلغی که از مشترک داوطلبی گرفته میشود در مقابل اين پول برای مشترکين خدمات مسلکی و تخنيکی ارائه شود و يا تهيه اسناد و اوراق لازم برای هر يکی از اشتراک کننده ها مصرف در قبال داشته باشد و ياهم محفل و محل برگزاري آن به پول نياز داشته باشد بازگرفتن يک مبلغ به اندازه مصارف بالفعل که صورت ميگيرد مجاز است، ولی اگر در اين پروسه خدمات تخنيکی و مسلکی وجود نداشته باشد و بقيه خدمات هم مصرفی را در قبال نداشته باشد بازگرفتن چنين مبلغ و عدم استرداد آن که بدون کدام عوض صورت ميگيرد مجاز نيست چون در حکم اکل اموال الناس بالباطل داخل است و بايد از آن اجتناب صورت گيرد چنانچه در اين خصوص چنين آمده است: {والمعمول به في المناقصات عموماً أن الجهة الإدارية التي تريد أن تجري المناقصة تسجل تفاصيل العقد ومواصفاته في دفتر، وهذا الدفتر يعطى للمشاركين بعوض مالي، فالسؤال الفقهي: هل يجوز للجهة الإدارية أخذ عوض مقابل دفتر الشروط؟ فإذا نظرنا إلى أن هذا الدفتر إنما يرجع نفعه إلى الجهة الإدارية، حيث إنها هي التي تريد أن تجري المناقصة لصالحها، لم يكن هناك مبرر لها في أخذ عوض مقابل هذا الدفتر. ولكن هناك ناحية أخرى لا يمكن غض النظر عنها، وهي أن إعداد دفتر الشروط ربما يحتاج إلى دراسات فنية، ورسم خرائط دقيقة، مما يتطلب جهداً ومالاً، ومن ناحية أخرى، إن هذا الدفتر يخفف مؤونة المقاولين أو التجار، لأنه لولا هذا الدفتر لاحتاج كل عارض إلى أن يجرى هذه الدراسات الفنية بنفسه، ويتكبد في ذلك جهداً، ويبذل لأجله مالاً، ومن هذه الجهة يبدو أن الجهة الإدارية تستحق أن تطالب عوضاً مقابل هذا الدفتر.

والذي يظهر لهذا العبد الضعيف - عفا الله عنه - أنه لو كان دفتر الشروط لا يتضمن دراسات فنية، وكان مشتملاً على مجرد شروط العقد، فلا يجوز للجهة الإدارية أن تتقاضى عليه ثمناً، لأنه بمنزلة بيان شروط العقد من أحد العاقدين، ولا يجوز أخذ العوض على ذلك. إما إذا كان هذا الدفتر مشتملاً على دراسات فنية يحتاج إليها المشاركون في المناقصة لإعداد عروضهم، فيجوز للجهة الإدارية أن تأخذ على دفعه عوضاً يغطي تكاليف الجهة الإدارية في إعدادة.

مجمع الفقهي الاسلامي، ۱۲، ص/ ۶۸۷، الشامله. فقه البيوع، ج/ ۱، ص/ ۱۳۵. مكتبة معارف القرآن- كراچی.

وهمچنان صاحب الفقه الاسلامی وادلتہ نیز در بحث بیع مزایده در خصوص حکم این مسئله یکی از قرارهای مجمع الفقه الاسلامی را چنین نقل میکند: {لا مانع شرعاً من استيفاء رسم الدخول (قيمة دفتر الشروط بما لا يزيد عن القيمة الفعلية) لكونه ثمناً له.} الفقه الاسلامي، ۱۸۲/۷. طبع:مکتبه حقانيه.

وهمچنان فتاوی شبکه الاسلامیة یکی از مراجع فتوی معاصر نیز در این خصوص چنين آمده است: {فإذا كان هذا المبلغ الذي يدفعه المشارك في المزاو بحدود التكلفة الفعلية لإجراء هذا المزاو مثل: دفتر الشروط ونحو ذلك من الإجراءات فلا يعد ذلك من قبيل الميسر بل هو جائز شرعاً، إما



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف

ریاست مجمع علمی

آمریت إفتاء

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Religious Affairs and HADJ
General President of Academic Team



تاریخ ۱۴۰۰ / ۱۱ / ۱۰

شماره

إن كان المبلغ الذي يدفعه زائداً على التكلفة الفعلية فإنه يدخل في الميسر لأنه غرم محقق يقابله غنم محتمل، وهذه حقيقة الميسر. { الشبكة الإسلامية، ج/۲ ص/ ۱۱۱۸۹ .

والله اعلم وعلمه اتم

راقم الحروف، محمدعارف مصلح



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف

ریاست مجمع علمی

آمریت افتاء

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Religious Affairs and HADJ
General President of Academic Team



تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

شماره

متن استفتاء محترم نعمت الله "قادری

بمقام محترم وزارت ارشاد، حج و اوقاف"

قابل توجه ریاست مجمع علمی "

السلام علیکم ورحمت الله .

چه می فرمایند علماء دین و مفتیان شرع سیدالمرسلین در مورد حکم مسئله که ذیلا تحریر میگردد:
هرگاه یک شخص دندان های خود را پرکند، ویاپوش نماید ویاهم دندان ثابت و غیر متحرک غرس
نماید پس حکم وضو و غسل آن چه خواهد بود؟

حکم مقام محترم ریاست: آمریت افتاء در زمینه در روشنی فقه حنفی ابراز نظرگردد.

الجواب باسم ملهم الصواب

حامدا لله ومصليا علی رسول الله

مستفتی محترم: آنچه را شما در متن استفتاء خود ذکر نموده اید درخصوص آن چنین باید گفت:

که دین مقدس اسلام به عنوان یک دین جامع و فراگیر همانگونه که در دیگر ابعاد و قضایا زندگی
انسان ها رهنمایی ها و ارشادات لازم را دارد، در بخش مراقبت های صحی و معالجه امراض که
بقاء یکی از نعمت های بزرگ الهی به آن بستگی دارد نیز در تعلیمات باارزش دین مقدس اسلام به
آن توجه خاص صورت گرفته است زیرا صحت و سلامتی ابدان از نعمت های بزرگ میباشد و
انسان ها در حد توان مکلف به مراقبت از این نعمت الهی اند.

چنانچه درخصوص مسئله استفتاء شده فوق باید گفت که همانطوریکه هر عضو دیگر بدن انسان
هرگاه دچار آسیب شده و به مرضی مبتلا گردد انسان ها حق دارند تا در حد توان به معالجه و تداوی
آن اقدام نمایند، دندان ها نیز که از اعضای مهم بدن انسان اند هرگاه نقصان و آسیبی ببینند در اصلاح
و تداوی آن نه تنها اینکه کدام مشکل شرعی وجود ندارد بلکه پرداختن به اصلاح و معالجه آن
امر مستحسن و قابل ستایش خواهد بود، لذا هرگاه دندان ها یک شخص نسبت آسیب و مرض پیش
آمده نیاز و ضرورت به پرکردن و پوش کردن داشته باشد و یا اینکه یک انسان به غرس و کاشت
دندان های ثابت و یا متحرک نیاز داشته باشد این همه جزء تداوی و معالجه مشروع پنداشته شده هیچ
مشکل شرعی در آن دیده نمی شود زیرا پرداختن به رفع این آسیب پیش آمده و معالجه نمودن آن
یک ضرورت است و در غیر آن انسان به مشکلات عدیده مواجه خواهد شد، و همچنان تجویف
و خالیگاه که در دندان ها آمده است نسبت یک عارضه بوده و هرگاه دوباره پر شده منضم گردد
مانند سوراخ گوش زنان که بعد از کشیدن گوشواره دوباره التیام پیدا کرده منضم شود مانع تکمیل
شدن غسل و وضو نمی گردد چنانچه در یک روایت درخصوص تداوی و معالجه دندان های آسیب



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف
ریاست مجمع علمی
آمریت افتاء

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Religious Affairs and HADJ
General President of Academic Team



تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

شماره

دیده چنین آمده است: {ان النبي صلى الله عليه وسلم امر عمرو بن العاص ان يشد ثنيتيه الساقطة بالذهب، و عن معجم الصحابة ان عبدالله بن عبدالله بن ابي سلول امره النبي صلى الله عليه وسلم ان يتخذ ثنيتيه من ذهب.} منهاج السنن شرح جامع السنن ج/ ۵ ص/ ۲۲۲.

ترجمه: رسول الله صلى الله عليه وسلم حضرت عمرو بن عاص رضی الله عنه امر نمود تا دندانش را که افتیده بوده با طلا محکم بسته کند، و همچنان حضرت عبدالله بن عبدالله را نیز امر نمود تا دندان ثنیه خود را از طلا بسازد.

و همچنان در کتاب مشهور فقه حنفی نیز در این خصوص چنین آمده است: {و (ق) لَا يَمْنَعُ (مَا عَلَى ظَفْرِ صَبَّاحٍ وَ) لَا (طَعَامَ بَيْنَ أَسْنَانِهِ) أَوْ فِي سِنِّهِ الْمُجَوَّفِ بِهِ يُفْتَى.} ردالمحتار، ج/ ۱ ص/ ۱۱۴. طبع: مکتبه حبیبیه.

ترجمه: مانع غسل نمی گردد آنچه در ناخن شخص رنگ مال چسبیده بوده باشد و نه آن بقیه غذا که در بین دندان مانده بوده باشد و نه آنچه در سوراخ دندان باقی مانده باشد، و به همین قول فتوی داده شده است.

و همچنان در کتاب مشهور دیگر فقه حنفی نیز در خصوص حکم رساندن آب در سوراخ گوش بعد از بند سوراخ چنین آمده است: {و كذلك إن انضم ذلك بعد نزع القرط و صار بحيث لا يدخل القرط فيه إلا بتكلف لا تتكلف أيضاً،} المحيط البرهانی، ج/ ۱ ص/ ۸۴. طبع: مکتبه حقانیه.

ترجمه: و همچنان انسان مکلف به رساندن آب در سوراخ گوش نیست در صورتیکه بعد از کشیدن گوشواره سوراخ آن بند شده باشد و بدون تکلف گوشواره در آن جای نشود.

و در ردالمختار نیز در این خصوص چنین آمده است: { (لا) يجب (غسل ما فيه حرج كعين) وإن اكتحل بكل نجس (وثقب انضم) در المختار، ج/ ۱ ص/ ۱۱۳ طبع: مکتبه حبیبیه.

ترجمه: هر آن چیزیکه در شستن آن حرج و مشقت باشد در غسل رساندن آب به آن واجب نیست مثل چشم اگرچه در آن سرمه نجس استفاده شده باشد و سوراخ گوش که بند شده باشد.

و همچنان در کتاب دیگر فقه حنفی نیز محکم نمودن دندان ها را با طلا و نقره در صورت که خوف افتیدن آن ها باشد مجاز گفته شده است چنانچه در این خصوص آمده است: { قَالَ مُحَمَّدٌ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْجَامِعِ الصَّغِيرِ وَلَا يَشُدُّ الْأَسْنَانَ بِالذَّهَبِ وَيَشُدُّهَا بِالْفِضَّةِ يُرِيدُ بِهِ إِذَا تَحَرَّكَتِ الْأَسْنَانُ وَخِيفَ سُقُوطُهَا فَأَرَادَ صَاحِبُهَا أَنْ يَشُدَّهَا بِالْفِضَّةِ وَلَا يَشُدُّهَا بِالذَّهَبِ وَهَذَا قَوْلُ أَبِي حَنِيفَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَقَالَ مُحَمَّدٌ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَشُدُّهَا بِالذَّهَبِ أَيْضًا وَلَمْ يَذْكُرْ فِي الْجَامِعِ الصَّغِيرِ قَوْلَ أَبِي يُوسُفَ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى قِيلَ هُوَ مَعَ مُحَمَّدٍ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَقِيلَ هُوَ مَعَ أَبِي حَنِيفَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَذَكَرَ الْحَاكِمُ فِي الْمُتَنَقَّى لَوْ تَحَرَّكَتْ سِنٌ رَجُلٍ وَخَافَ سُقُوطَهَا فَشَدَّهَا بِالذَّهَبِ أَوْ بِالْفِضَّةِ لَمْ



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف

ریاست مجمع علمی

آمریت افتاء

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Religious Affairs and HADJ
General President of Academic Team



تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

شماره

يَكُنْ بِهِ بَأْسٌ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَأَبِي يُوسُفَ رَحِمَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى { الفتاوى الهندية ج/ ۵ ص/ ۳۳۶. طبع: مکتبه حقانيه.

وهمچنان دريکي از فتاوی های معتبر معاصر نیز در خصوص جواز پر کردن دندان ها با استدلال نمودن از بعضی آثار چنین آمده است: { پس معلوم باد که چون سوراخ دندان از سیسه و غیره پر کرده شود و آب داخل نشود، مانع از غسل جنابت نیست برای دفع حرج، کما یشیر الیه مافی ردالمحتار ص ۴۳ جلد ۱ {قوله وهو الاصح، صرح به فی شرح المنية وقال لامتناع نفوذ الماء مع عدم الضرورة والحرج، فافهم} ویدل علیه مافی اعلاء السنن جلد ۱۷ ص ۲۹۹، ان عثمان بن عفان رضي الله عنه ضبب اسنانه بالذهب اخرجہ عبدالله بن احمد بن حنبل فی مسند ابیه، و التضييب مانع من الوصول، وفي ص ۲۹۸ ان انس بن مالك شدد اسنانه بذهب اخرجہ الطبرانی والتشديد مانع من جريان الماء تحته} فافهم. فتاوی فریدیه ج/ دوم ص/ ۷۴.

از عبارات ذکر شده فوق بصراحت معلوم گردید که هرگاه نسبت عارضه ومرض پیش آمده ایجاب نماید که دندان یک شخص مریض باید پر و یا پوش گردد و یا نیاز به غرس دندان داشته باشد این عمل یک نوع معالجه است که شرعا مجاز بوده و مانع تکمیل شدن غسل و وضو این شخص مریض نمی گردد.

والله اعلم وعلمه اتم

راقم الحروف "محمد عارف" مصلح



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف

ریاست مجمع علمی

آمریت افتاء

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Religious Affairs and HADJ
General President of Academic Team



تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

شماره

د محترم مولوي محکم الدین د غوښتنلیک متن:

د ارشاد، حج او اوقافو وزارت محترم مقام ته!

د علمي مجمع ریاست د پام وړ!

د قدر وړه!

زه مولوي محکم الدین د محمد جمعه زوی، څه موده مخکې مې د هاشم ولد اسلم په وینا خپل موټر د هغه د یوه کار سرته رسولو په موخه، له هغه سره زما په موټر کې یو ځای له لغمان نه جلال آباد ته په لاره کې له یوې پېښې سره مخ شولو، چې په پایله کې زما موټر ته زیان ورسېد.

یاده دي وي، چې هاشم له تگ نه مخکې ماته ویلي و، چې که موټر ته څه زیان ورسیري، د دې زیان لگښت پر هغه دی او د دې خبرې شاهدان هم شته دي. اوس دغه لگښت باید څوک پر غاړه واخلي، زه محکم الدین او که هاشم؟

هیله ده، د شریعت په رڼا کې، لارښوونه راته وکړئ.

په درنښت

مولوي محکم الدین

د وزارت دمقام حکم:

دمجمع علمي ریاست! په دې اړه شرعي ځواب ورکړئ.

د ریاست کتنه اوحکم : دافتاء آمریت ! په دې اړه لازم اجراءات ترسره کړئ

دافتاء آمریت گومارنه (محترم صدیقي اوخادم صاحب) دې په اړه شرعي مالومات ورکړي.

حامدًا لله ومُصلِّيًّا علی رسول الله

الجواب باسم مُلهم الصواب



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف
ریاست مجمع علمی
آمریت افتاء

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Religious Affairs and HADJ
General President of Academic Team



تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

شماره

محترم مستفتي صاحب! په پورتنۍ موضوع کې د هاشم په نوم سړی، چې د تاوان ورکولو ژمنه او ضمانت یې کړی دی، ورباندې لازمه ده خو ستا موثر ته د اړول شوي زیان لگښت (تاوان) درکړي؛ ځکه چې که یو کس له بل سره د یو څه ژمنه له یو شي سره معلقه کړي او یا یې ضمانت وکړی، په اسلامي شریعت کې ورته (الضمان یا الوعد بالشرط) ویل کېږي، چې پوره کول یې ورباندې لازميږي.

والدلیل علی ماقلناه:

۱- عَنْ أَبِي أُمَامَةَ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: {الزَّعِيمُ غَارِمٌ} (سنن ابن ماجه ټوک ۲، ۸۰ مخ (أي: ضامن لما التزمه).

۲- رجل ضمن عن آخر نوابه ۰۰ فهو جائز (جامع الصغير ۱ ټوک، ۱۵۴ مخ).

۳- الضَّمان: إلزامٌ بتعويض عن ضرر. فإنه يُطلق في اصطلاح الفقهاء على معانٍ متعددة، أهمها: - كفالة النفس، وكفالة المال. - وغرامة المتلفات. (غمر عيون البصائر شرح الأشباه والنظائر لابن نجيم ۲ ټوک ۲۱۱ مخ).

۴- وَفِي كَافِي الْحَاكِمِ: «إِنْ قَتَلَكَ فُلَانٌ خَطَأً فَأَنَا ضَامِنٌ لِدَيْتِكَ فَقَتَلَهُ فُلَانٌ خَطَأً فَهُوَ ضَامِنٌ لِدَيْتِهِ» (رد المحتار ۲۱ ټوک/ ۶۶ مخ).

۵- لَوْ قَالَ أَحَدٌ لِآخَرَ: «إِذَا سَرَقَ فُلَانٌ مَالَكَ أَوْ أَتْلَفَ فُلَانٌ وَدَيْعَتَكَ، فَأَنَا ضَامِنٌ ۰۰ وَمَتَى ثَبَّتَ طَوْلِبَ الْكَفِيلِ بِالْمَالِ الْمَسْرُوقِ أَوْ الْوَدِيعَةِ الْمُتْلَفَةِ» (درر الحکام شرح مجلة الأحكام ۱ ټوک، ۶۵۹ مخ).

همدارنگه کومه ژمنه چې د تعلیق په صورت کې وي، پوره کول یې لازميږي. په اړه یې داسې راغلي:

۶- «المواعيد بِصُورِ التَّعليقِ تكون لازمة» (درر الحکام شرح مجلة الأحكام ټوک ۱، مخ ۷۷).

۷- «المواعيد بِاكتِسَاءِ صُورِ التَّعليقِ تكون لازمة» (ردالمحتار ۴ ټوک، ۲۵۷ مخ).

مولوي عبدالستار (خادم)

محمد نور (صديقي)



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد حج و اوقاف

ریاست مجمع علمی

آمریت إفتاء

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Religious Affairs and HADJ
General President of Academic Team

تاریخ ۱۴۰۰ / ۱۱ / ۱۰



شماره